

## چکیده محتوایی

بیان مدعا (حجت الاسلام دکتر علوی تبار): در نگاه قرآن، توسل به اولیاء الهی سه‌گونه است: وسیله قرار دادن ذات الهی؛ توسل به دعای اولیاء الهی؛ توسل به منظور برآورده شدن حاجات، توسط خود اولیاء الهی. قسم سوم از توسل به اولیاء الهی از نگاه حکمت متعالیه قابل‌تحلیل و بررسی است و حکمای حکمت متعالیه معتقدند این قسم با تکیه بر مبانی متعدد عقلی قابل اثبات است. در نگاه حکمت متعالیه شفاعت نور وجودی است که از خداوند متعال بر جواهر و وسائط بین او و سایر مخلوقات می‌تابد و به واسطه این تابش، نقایص ممکنات جبران می‌شود. توسل به اولیاء الهی به جهت برآورده شدن حاجات توسط خود اولیاء الهی مورد تأیید عقل و حکمت متعالیه قرار گرفته است. اولیاء الهی دارای نفس مجردی هستند که این نفس حتی پس از مرگ ظاهری به طور تمام و کمال باقی می‌ماند. نفس اولیاء الهی به سبب بندگی خالص و عنایت‌های خاص خداوند متعال به مرتبه‌ی بالایی از تکامل رسیده است. از این رو نفوس اولیاء الهی می‌توانند در حیات و مماتشان مؤثر بوده و واسطه‌گری بکنند و این استبعاد که در ذهن برخی از منکرین توسل و شفاعت وجود دارد در حقیقت اولاً نشأت گرفته از عدم دقت و تأمل در بقا و تکامل نفوس ناطقه اولیاء الهی و ثانیاً قدرت تأثیر گذاری نفس انسان کامل است. ما در اینجا با روشی توصیفی تحلیلی در صدد اصطیاد، تحلیل و تثبیت مبانی نفس شناختی توسل و شفاعت و تبیین ارتباط این مبانی با بحث توسل و شفاعت هستیم.

ناقد اول (حجت الاسلام دکتر شفیعی دارابی): عنوان مقاله دارای اشکال است که البته این عنوان یک عنوان بدیعی و پژوهشی است؛ مقاله بسیار کاربردی و از نظر فلسفی پررنگ است؛ مقاله دارای تتبع خوبی است و حدوداً از پنجاه مقاله دست اول و فلسفی استفاده شده است؛ ساختار مقاله خوب است؛ ارائه کرسی از خود مقاله بسیار بهتر بود؛ عنوان مقاله عام است ولی محتوای مقاله خاص است و این از نظر علمی ایراد دارد و ای‌کاش عنوان مقاله با پسوند حکمت متعالیه تکمیل می‌شد؛ بخش پایانی مقاله از محور اصلی بحث خارج شده است؛ عنوان نفس شناختی توسل ایراد دارد و بهتر بود که به صورت مبانی عقلی توسل نوشته می‌شد؛ در مقاله پشت سر هم نقل عبارت است. حرف خودتان کجاست؟ ناقل خوبی بودید، ولی تحلیل خودتان کجاست؟! آیا حرف‌ها و استناد شما را اهل سنت قبول دارند؟! شما دنبال نفس ناطقه هستید ولی در مقاله مشخص نکردید که کدام نفس؟! این آیات و روایات به چه دلیل و تحلیل شامل بعد از مرگ هم می‌شود؟ دلیلتان عام است ولی مدعا خاص است؛ نسبتی که به ملاصدرا دادید ولی برداشت اشتباه است.

ناقد دوم (دکتر طباطبایی): مقاله دارای خلاء است، بین اصل بحث توسل و مقدمات بحث نتوانسته اید ارتباط برقرار کنید؛ استدلال مقاله ضعیف است و بیشتر حالت استناد دارد و مکرر نقل قول است؛ اشکال و هابیت را خوب نتوانستید مطرح کنید. نکته اینجاست: شاید اولیا قدرت دارند ولی ما نمیتوانیم به آنها توسل کنیم، مثل سحر که واقعیت دارد ولی ما نمیتوانیم کسی را سحر کنیم؛ بحث نفس شناختی را با این شکل هم اگر مطرح نمی‌کردید به اصل ادعای شما ضرر نمیزد؛ در مقاله بین ثبوت عرضی و ثبوت وجود شناختی خلط کردید؛ در مقاله شما از علم روز غفلت شده است. علم دیجیتال، آنالوگ و ... الان مجرد بودن علم خودش زیر سوال رفته است؛ در مقاله مشکل ترتیب بندی دارد. مگر نفس شناختی ملاصدرا با این سینا یکی است؟! با اینکه مباحث فلسفی را خوب مطرح کردید، ولی در اثبات ادعا ناموفق بوده است؛ اگر قرار بود از هر مبنایی استفاده شود، مبانی وجود شناختی انسان شناختی را هم می‌آوردید؛ همه نقل شما از ملاصدرا است که این درست نیست. اگر این طور بود در مقاله می‌گفتید «مبانی نفس شناختی توسل و طلب شفاعت از دیدگاه ملاصدرا»